مشارکت؛ کلید حل بحران آب

گروه اجتماعی

«زمانی که محدودیت منابع آب شدت می گیرد و تضاد منافع میان ذینفعان تشدید می شود راهی به جز مشارکت در تصمیم گیری وجود ندارد.» این عبارت چکیده‌ای از سخنان رضوان شریف نیا، کارشناس و کنشگر آب و محیط زیست در گفت‌وگو با «رسالت» است. او اگرچه بر مدیریت مشارکتی منابع آب تأکید دارد اما معتقد است «نمی توان از این مسئله انتظار معجزه داشت. به عنوان مثال حذف آب بران جدید یا برخورد با افرادی که اضافه برداشت دارند همچنان نیازمند بررسی حقوقی و در بعضی موارد برخورد قانونی است. از طرفی هر سیاست جدیدی بایستی با پذیرش جامعه تحت تأثیر همراه باشد. نمی توان تصمیمی از بالا اتخاذ و صرفا چگونگی اجرا را از طریق مشارکت تعریف و سپس بر چسب مشارکت روی آن گذاشت. ضمن آنکه این مقوله بایستی، مبتنی بر شرایط روز جامعه به منصه اجرا برسد و نمی توان انتظار داشت که الگوهای گذشته عینا تحقق یافته و کارآمد باشد.»

خانم شریف نیا همانطور که مطلع هستید، بحران آب اکنون نه فقط یک استان یا یک شهر، بلکه آینده نیمی از جمعیت شهرنشین این کشور را تهدید می کند و مطابق آمارهای موجود برای دسترسی پایدار تقریبا نیمی از جمعیت شهرنشین به آب شرب، هیچ تضمینی وجود ندارد، آیا در چنین شرایطی توجه به مسئله مدیریت مشارکتی منابع آب که به طور ویژه در ماده ۴۰ برنامه هفتم توسعه تکلیف و تأکید شده، تغییری در وضعیت موجود ایجاد خواهد کرد؟

بله، مدیریت مشارکتی پتانسیل ایجاد تغییرات بنیادین را دارد، اما این تغییر مشروط به رفع موانع ساختاری است. موضوع مدیریت مشارکتی آب و تشکل های آب بران به طور رسمی و جدی برای اولین بار در برنامه سوم توسعه مطرح شد. این برنامه برتفویض اختیار محدوده به بهره برداران برای مدیریت شبکه های آبیاری و زهکشی از طریق تشکیل شرکت های بهره برداری و نگهداری تأکید داشت. در برنامه چهارم نیز به تشکیل نهادهای مردمی مدیریت منابع آب در سطح حوضه های آبریز توجه شد. برنامه های پنجم و ششم، بر تقویت و قانونمند کردن تشکل ها تأکید داشتند. سرانجام در برنامه هفتم نه تنها جامعه کشاورزی، بلکه طیف وسیع تری از ذینفعان (صنعت و معدن و خدمات) در مدیریت به هم پیوسته و یکپارچه منابع آب در نظر گرفته شدند. همچنین تعریفی که از دامنه مشارکت ارائه داده است گسترده شده که سه حیطه مدیریت به هم پیوسته، ارتقای بهره وری و اصلاح الگوی مصرف را شامل می شود.

زمانی که محدودیت منابع شدت می گیرد و تضاد منافع میان ذینفعان تشدید می شود راهی به جز مشارکت در تصمیم گیری وجود ندارد. شکی نیست که مدیریت مشارکتی یک ضرورت است، اما دستیابی به تغییر در عادت ها و رویه ها به راحتی و سرعت اتفاق نمی افتد. اگرچه تغییر رویکرد در حکمرانی آب لازم است ولی مصرف کنندگانی که عادت هایی در توزیع و مصرف داشته و هر بار با کاهش منابع به آن ها نوید داده شده که آب از مناطق دیگر به آن ها خواهد رسید، طبیعتا دا و طلبانه و به راحتی تغییر رویه نخواهند داد.

وزارت نیرو این مسئله را پذیرفته که آب باید مشارکتی مدیریت شود اما آنچه باید اتفاق بیفتد نیفتاده و هنوز فرهنگ سازی نشده و در بدنه این امر جا نیفتاده است. ابلاغیه های خوبی در حوزه مشارکت در مدیریت آب داریم اما تمام شان روی کاغذ است و در زمین واقعیتی اتفاق نیفتاده است، فکر می کنید چرا این مسئله از صفحه کاغذ فراتر نرفته است، آیا مافیای آب در این مسیر سنگ اندازی می کند؟

فراتر از عبارت مبهم «مافیای آب»، موانع اصلی را باید در ساختارها و تعارضات نهادی جست وجو کرد. آنچه در وزارت نیرو و شرکت های تابعه به وضوح مشهود است تعارض منافع بین حفظ مصالح عامه و پایداری سرزمین با سود حاصل از فروش آب و پساب و اقدامات سازه‌ای است. ایفای نقش توأمان تنظیم گری منابع و فروشندگی آب یکی از دلایلی است که مانع برنامه ریزی بلندمدت در جهت مدیریت بهینه منابع آب می شود. همین مسئله، صداقت و حسن نیت این وزارتخانه را زیر سؤال می برد که اصل پایه برای شکل گیری مشارکت است. در واقع زمانی که از سمت وزارت نیرو اعلام می شود که منابع آبی محدود است یا دشت ها در حال فرونشست هستند و چاه‌ای جز صرفه جویی و سازگاری نیست، باورپذیری آن برای گرو داران دشوار است. چراکه در عمل می بینند که همواره گروهی بر گروهی دیگر ترجیح داده می شوند و شرایط کم آبی برای همه یکسان نیست. گروه برنده یا صنعت است که آب بهای بیشتری می پردازد یا ذینفعانی که نماینده‌ای در مجلس یا نهادهای دولتی دارند و به هر نوعی می توانند اعمال قدرت داشته باشند. پس منطقا به این نتیجه می رسند که صرفه جویی آن ها تنها سهم دیگران را افزایش خواهد داد. عدم وجود اطلاعات شفاف که در دسترس عموم باشد هم مزید علت در باورناپذیری می شود. بنابراین، مشکل اصلی کمبود «فرهنگ سازی» نیست، بلکه فقدان بسترا عتماد، شفافیت و صداقتی است که هرگونه مشارکت واقعی بر آن بنا می شود.

بسیاری از کارشناسان معتقدند حل معضل آب، نیازمند اتخاذ راهکارهای اجتماعی محور است؛ یعنی صرفا به صورت فنی نمی توان این مشکل را حل کرد، چراکه اگر آب را از کره ماه نیز بیاوریم اما مدیریت منابع آب وجود نداشته باشد این مشکل حل نمی شود بلکه باید این موضوع را با استفاده از ظرفیت های اجتماعی برطرف کرد. این در حالی است که نهادهای دولتی، همواره حل مشکل آب را یک سیستم فنی محور می دانند که این موضوع کاملا غلط است. آیا مسائل فنی و اجتماعی مکمل هم هستند؟ آیا ممکن است در این زمینه مثالی ذکر کنید؟

از زمانی که مفهوم توسعه پایدار مطرح شد، مدل هایی برای توضیح آن ارائه گردید یک شکل ساده برای تعریف توسعه پایدار؛ سه دایره با موضوع اقتصاد، اجتماع و محیط زیست بود. محل اشتراک این سه دایره که هر سه جنبه را در نظر گرفته، منطقه‌ای بود که توسعه پایدار در آن متبلور می شد. این مدل بعدا توسط سایر متخصصان تغییراتی داشت که به صورت سه دایره داخل هم ارائه شد. در مدل جدید هیچ فعالیت اقتصادی ای وجود ندارد که خارج از حیطه جامعه اتفاق بیفتد و هیچ فعالیت اقتصادی و اجتماعی ای وجود ندارد که خارج از حیطه محیط زیست باشد. بنابراین در نظر گرفتن جامعه و محیط زیست یک انتخاب نیست بلکه ما ناگزیر از به رسمیت شناختن آن ها به منزله بستر شکل گیری هر فعالیتی هستیم. اگر مرزهای سیستم صرفا در محدوده فنی و اقتصادی دیده شود کمک می کند تا راه حل های سریع ارائه شود. اما این راه حل ها لزوما پایداری را به همراه نخواهد داشت. مثال های زیادی در رابطه با تصمیمات بالا به پایین وجود دارد که در عمل به اهداف خود نرسیدند. طرح های انتقال آب بین حوضه‌ای که اکنون شکل جدیدی از انتقال آب از دریا به آن اضافه شده است نمونه هایی از مواردی است که وجوه اجتماعی مصرف را نادیده گرفته اند و فقط برنامه ریزی را بر اساس احجام آب انجام می دهند.

گروهی از کارشناسان می گویند، در حالی که منابع مالی قابل توجهی صرف احداث سدها و پروژه های تکراری سازه های آبی می شود، برای مهم ترین اقدام زیربنایی یعنی استقرار مدیریت مشارکتی منابع آب، تأمین اعتبار مستمر وجود ندارد. به اعتقاد شما بی باوری برخی مدیران نسبت به ضرورت مشارکت مردمی و تأخیر در تخصیص اعتبارات چه سهمی در عدم اجرای این سیاست دارد؟

مسئله فراتر از «باور» یا «بی باوری» یک مدیر است؛ مشکل اصلی، عدم انسجام و وجود تناقض های بنیادین در سیاست های کلان کشور است. این سیاست ها بایستی روشن و مشخص باشد و به گونه‌ای اولویت بندی شود که در تضاد با هم قرار نگیرد. سیاست هایی نظیر کشت محصولات آب بر، آشکارا در تضاد با مدیریت منابع آب و سازگاری با کم آبی است. این تناقض ها در سطح بعدی یعنی در برنامه پیشرفت هفتم هم در بسیاری از جهات دیده می شد که مورد بحث و انتقاد بوده است. از سوی دیگر کنترلی بر توسعه کلانشهرها و یا هدفمندی‌ای در توسعه مناطق (مبتنی بر آب و آمایش سرزمین) وجود ندارد. این وضعیت ناپایداری منابع آبی را در بخش های کمتر توسعه یافته شدت می دهد و به همان میزان مشارکت که برنامه‌ای بلندمدت تر نسبت به اقدامات سازه‌ای است را متأثر می کند. در نهایت شاهد آن هستیم که اولویت وزارت نیرو و شرکت های تابعه، همانند گذشته، پاسخ به تقاضای روزافزون برای آب است و همچنان امید دارند که با ادامه این روند بتوانند تنش های آبی را کنترل کنند. به موازات این روند در وزارت نیرو و در وزارتخانه جهاد کشاورزی هم مشوق هایی برای کاهش مصرف آب، مدیریت مشارکتی و افزایش بهره وری (همراه با کنترل کود و سم) وجود ندارد. بلکه شاخص مهم، مقدار تولید است. بنابراین آنچه بیش از وضع قانون و اعتبارات مالی اهمیت دارد تعیین راهبردهای درست در سطح کلان برای کشور است به نحوی که در اجرا با تعارض و تقابل مواجه نشوند. پس از آن برنامه ها و آیین نامه ها و ضوابط، نحوه اجرای کار را تعیین می کنند. فارغ از اینکه با وریک مدیر یا کارشناس چه باشد همه موارد ذکر شده و نحوه اجرا بایستی مشخص، همسو و دارای انسجام بین بخشی باشد.

گروهی از کارشناسان معتقدند، تجربه های تاریخی نشان می دهد پس از هر منازعه بر سر منابع آب، بهره برداران با شکل دهی فرمول های اجتماعی و مهندسی توانسته اند به سازش و مدیریت پایدار برسند. امروز نیز در مواردی مانند منازعات فزاینده بر سر منابع آب، بدون شکل گیری چنین سازوکار مشارکتی، امکان دستیابی به راه حل پایدار وجود ندارد. چراکه دولت برای اجرای هرگونه سیاستگذاری حذف حقابه های جدید یا سیاست های اجرایی توسعه گلخانه ها و آبیاری تحت فشار و سیاست هایی که به بهبود بازدهی آب مصرفی در بخش های کشاورزی و صنعت بینجامد و همزمان آب صرفه جویی شده در آبخوان ها ذخیره شود و یا حقابه دریاچه ها و رودخانه ها بازگردانده شود، بدون استقرار مدیریت مشارکتی نمی تواند به نتیجه لازم دست یابد، آیا به اعتقاد شما، مدیریت مشارکتی تا به این حد کارآمد و کارساز خواهد بود؟

کنش های جمعی این قابلیت را دارند که اثر قدرت ذینفعان کلیدی را در تصمیم گیری کمتر کنند و برای مقاطعی توازن بهتری از قدرت میان همه گرو داران ایجاد کنند. اما اینکه بعد از شکل گیری یک اعتراض تا چه میزان مشارکت حقیقی شکل گیرد و توزیع قوا متوازن بماند جای سؤال است. در واقع به فرض اینکه دولت به جوامع محلی و بهره برداران تفویض اختیار کند این سؤال پیش می آید که آیا ظرفیت چنین واگذاری ای وجود دارد یا اشکال دیگری از قدرت بالا به پایین در منطقه یا حوضه آبریز ایجاد می شود؟ آیا گروه هایی که صاحب اختیار می شوند قادر خواهند بود منافع کل حوضه یا دشت یا مناطق فرودست آن را در نظر گیرند؟ این موارد قطعا در اجرای برنامه مدیریت مشارکتی اثرگذار است و برای شکل گیری درست آن علاوه بر وضع قوانین، آزمون و خطا و ظرفیت سازی نیز لازم است که همه این موارد مستلزم گذر زمان و افزایش آگاهی و تجربه جمعی در این زمینه است. اما نمی توان انتظار معجزه از مدیریت مشارکتی داشت به عنوان مثال حذف آب بران جدید یا برخورد با افرادی که اضافه برداشت دارند همچنان نیازمند بررسی حقوقی و در بعضی موارد برخورد قانونی است. همچنین هر سیاست جدیدی بایستی با پذیرش جامعه تحت تأثیر همراه باشد. نمی توان تصمیمی از بالا اتخاذ کرد و صرفا چگونگی اجرا را از طریق مشارکت تعریف و سپس بر چسب مشارکت روی آن گذاشت.

سابقه تاریخی مدیریت مشارکتی نشان می دهد، پایداری سه هزار ساله منابع آب در فلات ایران بر پایه مشارکت بهره برداران بنا شده بود. الگوهای سنتی بهره برداری از آب در قنات ها، رودخانه ها و چشمه ها نشان می دهد مردم بدون اتکا به دولت، با سرمایه گذاری شخصی و همکاری اجتماعی توانسته اند نظامی پایدار و کارآمد برای بهره وری از منابع آب ایجاد کنند. در حالی که امروزه نزدیک به یک میلیون پروانه بهره برداری از منابع آب چاه صادر شده است که اگر چه یک حق موقت و یک ساله برای مالکان آن ایجاد می کند ولی حل و فصل حقوقی و تعیین کمیت و دامنه بهره برداری پایدار از آبخوان ها، بدون استقرار مدیریت مشارکتی در قلمرو هر کدام از دشت های کشور دست یافتنی نیست. تحلیل شما از این موضوع چیست؟

بله در گذشته شیوه های مشارکتی ارزشمند در توزیع و بهره برداری از منابع محدود و همچنین آبیاری سیلابی و استفاده بهینه از شرایط جغرافیایی هر منطقه شکل گرفته بوده است که هنوز هم در بعضی مناطق از آن شیوه ها استفاده می شود. اما این روش ها عمدتا محدود به مناطقی از دشت یا روستاهای مشخص بوده است. جوامع به لحاظ قومیت، فرهنگ و ساختار اجتماعی در چارچوب های مشخصی قرار می گرفتند و خود را مالکان و حافظان بخشی که مدیریت می کردند می دانستند. پس از اصلاحات اراضی این وضعیت تغییر کرد و با افزایش جمعیت و تغییر ساختارهای اجتماعی، بازیابی سنت ها و توسعه آن ها دشوار شد. بهره برداران در گذشته سرمایه های زمین و آب را نه فقط برای خود بلکه برای نسل های بعد خودشان در نظر داشتند و نگاهشان به این سرمایه ها بلندمدت بود. در حالی که با شتابی که در سبک زندگی امروز وجود دارد و همچنین عدم ثبات اقتصادی سودکوتاه مدت و تبدیل سرمایه ها به اشکال دیگر بر حفاظت از سرزمین و بهره برداری پایدار غالب شده است. استفاده از مدیریت مشارکتی همچنان یک ضرورت است اما با بایستی مبتنی بر شرایط روز جامعه اجرا شود و نمی توان انتظار داشت که الگوهای گذشته عینا تحقق یافته و کارآمد باشد. بنابراین تلفیق مدیریت مشارکت محلی و سنتی با وضع یا اصلاح قوانین لازم است. برخی از مسائل پیش آمده در حیطه توزیع آب به دلیل ابهام، تضاد یا نقص در قوانین موجود است. همین طور پس از تصویب و تأیید برنامه مشارکت، نظارت و پایش آن و پیگیری حقوقی بایستی لحاظ شود.

به عنوان سؤال پایانی بفرمایید که آیا گمان می کنید عزم و اراده لازم در مدیران و تصمیم گیران برای تحقق این مسئله یعنی مدیریت مشارکتی منابع آب وجود دارد؟

ببینید در گام نخست وحدت رویه در تصمیم گیری کلان بسیار مهم است. ما در ایران نیازمند ارزیابی راهبردی در حیطه آب و محیط زیست و در سطح سیاست گذاری هستیم. در گام بعدی برنامه ها بایستی همسو و دارای انسجام درونی و بین بخشی باشند نه اینکه بخش های مختلف اثر عکس و خنثی کننده برهم داشته باشند. بعد از این موارد لازم است که قوانین بازنگری شده و نقایص و تضادها رفع گردد. به عنوان مثال هنوز بر سر موضوع مالکیت بر آب در متون حقوقی تضادهایی وجود دارد. در تمامی این گام ها می توان از مشارکت گرداران و تجارب مناطق و حوضه ها استفاده کرد. با این شیوه می توان بستر ایجاد مدیریت مشارکتی را فراهم و شفاف تر کرد. هراندازه مناسبات سیاستگذاری و زمینه های حقوقی مشخص تر باشد، نقش گرداران، مدیران و تصمیم گیران شفاف تر می شود و به تناسب آن امکان ارزیابی عملکرد و پاسخگویی فراهم خواهد شد. در واقع، اراده امری نیست که به صورت ناگهانی در مدیران ظهور کند، بلکه محصول یک فرآیند شفاف از اصلاحات ساختاری است. تا زمانی که این اصلاحات بنیادین صورت نگیرد و استراتژی های کلان کشور همسو نشوند، اراده ها همچنان پراکنده، سیاست ها متناقض و اقدامات برای استقرار مدیریت مشارکتی، بی نتیجه باقی خواهند ماند.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ایجاد سامانه گاز اندیشه به شناسه ملی ۱۰۷۲۰۲۷۵۰۱۰ و به شماره ثبت ۳۲۹۱۸ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد خانم سحر فتحی زاده با کد ملی ۲۹۹۳۸۶۹۵۰۷ بسمت عضو هیئت مدیره و آقای رضا نیک زاد علیا با کد ملی ۰۰۵۸۱۳۴۲۷۱ با کد ملی بسمت عضو هیئت مدیره و اقای سجاد نیکزاد علیا با کد ملی ۴۸۹۰۲۴۶۰۰۲ بسمت عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری کرج (۲۰۵۱۳۵۲)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ندا گستر میلاد به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۶۷۴۲ و به شماره ثبت ۱۹۵۷۹۴ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سید غلامرضا فنائی به شماره ملی ۲۵۷۱۹۹۰۰۵۵ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ شرکت کشت و صنعت عرفان سلامت به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۶۵۶۹۹ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ شرکت گروه خدمات درمانی عرفان سلامت به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۹۲۹۰۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ انتخاب گردیدند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۵۲۰۲۶)

آگهی اصلاحی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز

نظر به اینکه در تحریریرای شماره ۱۴۰۴-۳۷۴۵ مورخ ۱۴۰۴/۲/۳۰ نوع ملک اشتباه ذکر شده است اصلاح می گردد.

سند نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبیزار به مالکیت سیدمحسن هاشمی واقع در پلاک ۴۸ اصلی بخش ۳ به مساحت ۳۵۳۴۶/۲۲ می باشد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الیگودرز

نقی روشنی

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۶۰۰۲۲۰۱ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مینودشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم صغری بادپر فرزند علی جان به شناسنامه شماره ۲۸۲۰ صادره بجنورد با کدملی ۰۷۵۹۵۳۰۷۸۵ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع پلاک فرعی از ۲۴-اصلی واقع در مینودشت قریه القجر حقوق ارتفاقی باحق عبور از مجاورین و بالعکس طبق عرف محل خریداری از مالک رسمی آقای امام وردی پسرکلوفرزند پیروردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۱۷۰۱

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴،۰۸،۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۴،۰۹،۱۱

مصطفی رحیم آبادی - رئیس ثبت اسناد و املاک مینودشت

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۲۰۰۶۰۰۲۶۵۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مینودشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمد رحمتی فرزند بیت اله به شناسنامه شماره ۲۱۸ صادره قم با کدملی شماره ۰۳۸۵۴۱۶۷۸۴ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۳۱ مترمربع پلاک فرعی از ۲۴ - اصلی واقع در مینودشت قریه القجر حقوق ارتفاقی باحق عبور از مجاورین و بالعکس طبق عرف محل خریداری از مالک رسمی آقای امام وردی پسرکلوفرزند پیروردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۱۷۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴،۰۸،۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۴،۰۹،۱۱

مصطفی رحیم آبادی

رئیس ثبت اسناد و املاک مینودشت

==========

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۷۰۰۷۰۱۰۰۳۰ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای لطف اله شاداب فرزند حسن به ش.ش ۳۳ کدملی ۱۸۶۱۰۵۷۴۹۰ صادره از بهبهان نسبت به پنج دانگ مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۵۵۳/۸۰ مترمربع پلاک ۵۱۹۰/۲۱۰۱ واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی حسن لرطبق نسق ۱۳۴۸/۱۲/۱-۱۵۹ دفترخانه ۱۴ بهبهان محرز گردیده است. حقوق ارتفاقی نظر به محاط بودن قطعه متقاضی در پلاک ۵۱۹۰/۲۱۰۱ حق عبور برای قطعه مورد نظر ایجاد می گردد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۸/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۹/۱۲ م الف ۸/۱۲۲۱

سعید افشار - رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کانه آرائی آریا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۹۲۵۸۰ و به شماره ثبت ۹۷۵۵ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد* موضوع فعالیت شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. فرآوری مواد معدنی و تولید کننده کنسانتره سرب و روی و غیره و کلسیناسیون و پودر نمودن و تشویه مواد معدنی و تولید سولفات روی و شمش روی و شمش سرب، احداث واحدهای تولیدی، تولید و خرید و فروش محصولات صنعتی و مواد معدنی، فعالیت در امر بازرگانی، صادرات و واردات محصولات صنعتی و مواد معدنی، خرید و فروش و مالکیت معادن، انجام تحقیقات در امور مربوط به صنایع و معادن، انجام مشاوره های علمی در زمینه صنایع و معادن، ایجاد نمایندگی و یا اخذ نمایندگی و تهیه و تولید انواع ماشین آلات صنعتی و تولیدی، اکتشاف و استخراج و فرآوری مواد معدنی، ارائه‌ی خدمات صنعتی و معدنی و آزمایشگاهی، تعیین عیار مواد و کانی های معدنی در صورت داشتن ضرورت قانونی با اخذ مجوزهای لازم، سرمایه گذاری در دیگر شرکتها و مشارکت، خرید و فروش سهام سایر شرکتها در صورت قانونی پس از اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح. ثبت فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. *موارد مندرج در ماده ۴۰ اساسنامه شرکت، به شرح زیر تغییر سافت: -۱ نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام، کلیه ادارات دولتی و غیر دولتی، موسسات عمومی، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی، -۲ تصویب آیین نامه های داخلی شرکت به پیشنهاد مدیر عامل، -۱۳ اتخاذ تصمیم در خصوص تاسیس و انحلال نمایندگی ها یا شعب در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران، -۱۴ اجرای مصوبات مجامع عمومی، مگر اینکه مجمع عمومی شخص دیگری را مامور به اجرا نموده باشد، -۵ تصویب ساختار سازمانی، تعیین شرایط استخدام و استخدام کلیه کارکنان شرکت و تعیین شغل و میزان حقوق و دستمزد آنها و هرگونه اقدام لازم در خصوص کارکنان شرکت -۶ پیش بینی و تصویب بودجه سالانه شرکت، -۷ افتتاح هر نوع حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانک ها و موسسات قانونی دیگر، -۸ دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت، -۹ صدور، ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجارتی -۱۰ انعقاد هر نوع قرارداد، تغییر، تبدیل، فسخ و یا اقاله آن در مورد اموال منقول و غیرمنقول که مرتبط با موضوع شرکت باشد و انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده ۲ اساسنامه و اتخاذ تصمیم در مورد کلیه ایقاعات، -۱۱ اتخاذ تصمیم در مورد امور مرتبط با ثبت و معامله کلیه حقوق غیرمادی یا معنوی از جمله هرگونه حق اختراع، نام یا علائم تجاری و صنعتی، کپی رایت، سرقفلی و کلیه امتیازات متصوره، -۱۲ به امانت گذاردن هر نوع سند، مدرک، وجوه شرکت یا اوراق بهادار و استرداد آنها، -۱۳ تحصیل تسهیلات از بانک ها، شرکت ها و موسسات رسمی با رعایت مقررات و اساسنامه حاضر، -۱۴ حق به رهن گذاردن و ترهین اموال شرکت اعم از منقول و غیرمنقول به نفع خود و سایر اشخاص ثالث اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی و نزد بانکها و سایر موسسات اعتباری، -۱۵ اقامه هرگونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هر دعوای حقوقی و کیفری اقامه شده در هر یک از دادگاه‌ها، دادسراها، مراجع قضایی یا غیرقضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هر یک از مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری با حق حضور و مراجعه به مقامات انتظامی و استیفای کلیه اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا اتمام، از جمله حضور در جلسات، اعتراض به رای، درخواست تجدید نظر، فرجام، واخواهی و اعاده دادرسی، مصالحه و سازش، استرداد اسناد یا دادخواست یا دعوا، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین جاعل، حق امضای قراردادهای حاوی شرط داوری یا توافقنامه داوری و ارجاع دعوا به داوری و تعیین و گزینش داور منتخب (با حق صلح یا بدون آن) اجرای حکم نهایی و قطعی داور، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ابداعی و تعقیب آنها، تعیین مصدق و کارشناس، انتخاب و عزل وکیل و نماینده با حق توکیل مکرر، اقرار در ماهیت دعوا، جلب ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث، قبول یا رد سوگند، تامین خواسته، تامین ضرر و زیان ناشی از جرائم و امور مشابه دیگر، -۱۶ تنظیم صورت های مالی میان دوره ای و سالانه و گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت و ارایه آن به مراجع مربوطه طبق قوانین و مقررات، -۱۷ دعوت مجامع عمومی عادی و فوق العاده و تعیین دستور جلسه آنها، -۱۸ پیشنهاد هر نوع اندوخته بجز اندوخته قانونی، -۱۹ پیشنهاد تقسیم سود بین صاحبان سهام، -۲۰ پیشنهاد اصلاح اساسنامه به مجمع عمومی فوق العاده، -۲۱ استقرار نظام کنترل داخلی به منظور اطمینان از انطباق کلیه عملیات شرکت در جهت اهداف شرکت و در چارچوب قوانین، اساسنامه، مقررات و آیین نامه های داخلی شرکت، -۲۲ تحصیل دارایی، سرمایه گذاری، تاسیس یا مشارکت در تاسیس انواع شرکت و موسسات دیگر در چارچوب موضوع فعالیت و برای انجام وظایف و تحقق اهداف شرکت، -۲۳ هرگونه اختیارات و وظایفی که به موجب قانون، جزو اختیارات و وظایف شرکت یا هیات مدیره قلمداد شده یا خواهد شد. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان زنجان اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری زنجان (۲۰۴۹۸۹۶)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ندا گستر میلاد به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۶۷۴۲ و به شماره ثبت ۱۹۵۷۹۴ به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مهدی راوندی به شماره ملی ۰۰۶۴۳۳۰۳۵۴ به سمت مدیر عامل (خارج از اعضاء) تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ آقای سید غلامرضا فنائی به شماره ملی ۲۵۷۱۹۹۰۰۵۵ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ آقای رضا فتوحی قزوینی به شماره ملی ۴۳۲۳۲۳۲۸۰۲ به نمایندگی از شرکت کشت و صنعت عرفان سلامت به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۶۵۶۹۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ آقای علی فتاحی بافقی به شماره ملی ۴۴۳۱۴۶۰۱۴۴ به نمایندگی از شرکت گروه خدمات درمانی عرفان سلامت به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۹۲۹۰۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۸/۱۵ انتخاب گردیدند. کلیه اسناد، مدارک، اوراق بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل: چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیات مدیره به تنهائی همراه با مهر شرکت یا دو نفر از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت یا مدیر عامل و یکی از اعضا هیات مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء رئیس هیات مدیره به تنهائی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. هیات مدیره کلیه اختیارات مندرج در ماده ۴۱ اساسنامه را به مدیر عامل تفویض نمود. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۰۵۲۰۲۵)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص توسعه کسب و کار ارزش آفرینان هیراد به شناسه ملی ۱۴۰۰